هواللّه

یزد

دوستان فارسیان بدیدهٴ بینا ببینند و بزبان آشنا بخوانند جانشان خوش باد

بنام یزدان مهربان

پاک‌یزدانا خاک ایران را از آغاز مشکبیز فرمودی و شورانگیز و دانش‌خیز و گوهرریز از خاورش همواره خورشیدت نورافشان و در باخترش ماه تابان نمایان کشورش مهرپرور و دشت بهشت‌آسایش پر گل و گیاه جان‌پرور و کهسارش پر از میوهٴ تازه و تر و چمن‌زارش رشک باغ بهشت هوشش پیغام سروش و جوشش چون دریای ژرف پرخروش روزگاری بود که آتش دانشش خاموش شد و اختر بزرگواریش پنهان در زیر روپوش باد بهارش خزان شد و گلزار دلربایش خارزار چشمهٴ شیرینش شور گشت و بزرگان نازنینش آواره و دربدر هر کشور دور پرتوش تاریک شد و رودش آب باریک تا آنکه دریای بخششت بجوش آمد و آفتاب دهش دردمید بهار تازه رسید و باد جان‌پرور وزید و ابر بهمن بارید و پرتو آن مهر مهرپرور تابید کشور بجنبید و خاکدان گلستان شد و خاک سیاه رشک بوستان گشت جهان جهانی تازه شد و آوازه بلند گشت دشت و کهسار سبز و خرّم شد و مرغان چمن بترانه و آهنگ همدم شدند هنگام شادمانی است پیغام آسمانی است بنگاه جاودانی است بیدار شو بیدار شو ای پروردگار بزرگوار حال انجمنی فراهم شده و گروهی همداستان گشته که بجان بکوشند تا از باران بخششت بهره بیاران دهند و کودکان خورد را بنیروی پرورشت در آغوش هوش پرورده رشک دانشمندان نمایند آئین آسمانی بیاموزند و بخشش یزدانی آشکار کنند پس ای پروردگار مهربان تو پشت و پناه باش و نیروی بازو بخش تا بآرزوی خویش رسند و از کم و بیش درگذرند و آن مرز و بوم را چون نمونهٴ جهان بالا نمایند ع ع

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۳، ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر